

مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و خلاقیت در دانشجویان دختر و پسر

نجمه حسینی خواه^۱

مجتبی واحدیان^۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۳

چکیده

بالبی^۳ دلبستگی را به عنوان تمایل انسان‌ها به ساختن پیوندهای عاطفی قوی با فردی خاص تعریف نموده است. نظریه‌ی دلبستگی پایه ریزی شده است تا جنبه‌های کلیدی رفتار، کار و عشق را توضیح دهد. کنش به هنجار اکتشاف‌گری که از مشخصه‌های افراد دارای دلبستگی ایمن می‌باشد انعطاف‌پذیری و جسارت لازم را برای آزمونگری و تجربه‌آموزی در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد. مهم‌ترین خصوصیت تفکر بشری، قدرت خلاقیت و نوآوری است که به واسطه‌ی آن اختراعات بشر صورت پذیرفته است. ویژگی‌های افراد خلاق، همواره مورد توجه محققانی بوده است که در زمینه‌ی خلاقیت به پژوهش پرداخته‌اند. انسان خلاق امیدوار است، خود را قبول دارد، از انگاره‌های انفعالی حذر می‌کند و علاقه‌مند و با نشاط در جهت هدف‌هایش گام برمی‌دارد. علاقه‌مندی به مسائل علمی و هنری، انعطاف‌پذیری، کنجکاوی، استقلال و احساس مسئولیت از دیگر خصوصیات اوست. پژوهش حاضر به دنبال بررسی و مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و خلاقیت در میان دانشجویان دختر و پسر می‌باشد.

جامعه‌ی آماری شامل دانشجویان سال اول دانشگاه پیام نور ابرکوه در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۸۸ می‌باشد. از میان این افراد ۵۶ نفر (۲۸ نفر دختر و ۲۸ پسر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب

۱- کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره. Hossinikhah@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور ابرکوه. vmogtaba@gmail.com

شدند. برای سنجش سبک‌های دلبستگی از پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی کولینز و رید^۱ (۱۹۹۰) استفاده شد و میزان خلایقیت با استفاده کردن از پرسشنامه‌ی خلایقیت عابدی اندازه‌گیری شد.

نتایج تحلیل نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد اما میان میزان خلایقیت دوگروه، تفاوت، معنادار شد و نیز بین سبک دلبستگی اضطرابی و خلایقیت در بین پسران و نیز دختران، رابطه، معنادار شد. همچنین نتایج تحلیل به دست آمده از این پژوهش، براساس تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی، پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان خلایقیت می‌باشد.

واژگان کلیدی: سبک دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن^۲، سبک دلبستگی دوسوگرا^۳، سبک دلبستگی اجتنابی^۴، خلایقیت.

مقدمه

اتکینسون و همکاران (۱۳۷۹) دلبستگی را تمایل کودک به برقراری نوعی رابطه‌ی نزدیک با افرادی معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد می‌دانند. بالبی (۱۹۷۳) مطرح می‌کند که نیاز دلبستگی یک نیاز نخستین است که از هیچ‌نیاز دیگری مشتق نشده است و نیازی اساسی برای تحول شخصیت است. بالبی امنیتی را که به وسیله‌ی دلبستگی ایجاد می‌شود مهم‌ترین ویژگی روابط در سراسر زندگی و رابطه‌ی اولیه را به عنوان الگویی برای روابط اجتماعی آینده می‌داند بر همین اساس اینورث و همکاران^۵ (۱۹۷۸) موفق به ابداع موقعیتی آزمایشی برای تشخیص انواع روابط کودک، مراقب وی گشتند و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را تفکیک کردند. در ادامه‌ی این روند هازن و شیور (۱۹۸۷) موفق به ردیابی این سه سبک در روابط بزرگسالی شدند.

1. Collins & Read
2. Secure
3. Avoidant
4. Ambivalent
5. Ainsworth & Bleher & Waters & Wall

«یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که سبک دل‌بستگی ایمن با مشخصه‌هایی مانند صمیمیت اعتماد، عشق، محبت به دیگران و روابط دوستانه و صمیمی مرتبط است و در مقابل سبک دل‌بستگی نایمن با مشخصه‌های فقدان اعتماد به خود، ترس از صمیمیت، بی‌اعتمادی به دیگران و ناتوانی در برقراری روابط دوستانه و صمیمی همبستگی دارد» (هازن و شیور، ۱۹۸۷؛ هازن و شیور، ۱۹۹۳؛ میکولینسر، فلورین، تولماز، ۱۹۹۹). «در سایه‌ی سبک دل‌بستگی ایمن اعتماد به خود و دیگران دو مشخصه‌ی اصلی افراد ایمن محسوب می‌شوند رفتار اکتشافی و جوارجویی^۱ نیز از مؤلفه‌های دل‌بستگی محسوب می‌شوند» (کسیدی، ۱۹۸۸؛ میکولینسر، ۱۹۹۸). «کنش به‌هنگار اکتشاف‌گری در افراد دارای دل‌بستگی ایمن، جسارت و انعطاف‌پذیری آنها را در آزمونگری و تجربه‌آموزی، افزایش می‌دهد. مهارت‌های حل مسئله در افراد ایمن، محصول کنش به‌هنگار اکتشاف‌گری^۲ است. جوارجویی‌های مبتنی بر دل‌بستگی ایمن از یک سو، و رابط شخصی و متقابل وی با دیگران مهارت‌های ارتباطی فرد را تقویت می‌کند و در سطوح نسبتاً مطلوبی مستقر می‌سازد» (بشارت، ۱۳۷۹).

«افراد دارای سبک دل‌بستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در مقایسه با افراد ایمن از قدرت اکتشاف‌گری و جوارجویی کمتری برخوردارند» (کوبک^۳، ۱۹۸۸). اختلال رفتار اکتشاف‌گری در فرد نایمن فرایند تحول جسارت و انعطاف‌پذیری را در آزمونگری و تجربه‌آموزی تحلیل و مهارت‌های حل مسئله کاهش می‌دهد. جوارجویی فعال و به‌هنگار افراد نایمن نیز در سایه‌ی اعتماد به خود و دیگران و اختلال رفتار اکتشاف‌گری به شدت کاهش یافته یا به شکل‌های نا به‌هنگار ادامه می‌یابد (رفتار اجتناب‌گرها مصداق مورد اول و رفتار دوسوگراها مصداق مورد دوم می‌باشد)» (بشارت، ۱۳۷۹).

تعامل بیشتری که بین نوزاد و مراقبین در موقعیت دل‌بستگی ایمن وجود دارد، احتمالاً باعث یادگیری بیشتر و بهتر مهارت‌های زبانی کودک می‌گردند. توانایی‌های زبانی شامل

-
1. Proximity seeking
 2. Exploratory behavior
 3. Koback

جنبه‌های معنایی، نحوی و گفتگویی است. همچنین تعاملات گفتاری بیشتر و سودمندتر کودک ایمن با مادر، یادگیری قواعد دستوری را برای وی ممکن می‌سازد. این در حالی است که کودک نایمن کمتر با این تعاملات مفید و بهینه درگیر می‌شوند بنابراین انتظار می‌رود در کسب مهارت‌هایی که ذکر شد ضعیف‌تر عمل کنند (ذراتی و همکاران، ۱۳۸۵).

خلاقیت نیز از موضوع‌هایی است که درباره‌ی آن بحث‌های زیادی شده است بی‌آنکه مفهوم آن به درستی روشن شده باشد. خلاقیت یک اصطلاح کلی است و الزاماً یک رویداد یا کیفیت خاص را نشان نمی‌دهد. خلاقیت در واقع مجموع عوامل شخصی، فرایند و محصولی است که در یک محیط اجتماعی در تعاملند.

دانشمندان خلاقیت را با تعابیر متعددی بیان نموده‌اند به طوری که هر تعریفی بیانگر یکی از ابعاد مهم فراگرد خلاقیت است. تورنس «خلاقیت را فرایند حس کردن مشکلات، مسائل، شکاف در اطلاعات عناصر گم شده، حدس زدن‌ها و تدوین فرضیه درباره‌ی این نواقص و آزمودن این حدس‌ها، احتمالاً تجدید نظر آنها و سرانجام انتقال نتایج، تعریف کرده است. توجه به خلاقیت، امروزه به ویژه در سازمان‌ها بسیار بیشتر از گذشته شده است. تصور دلیل این علاقه‌ی زیاد به خلاقیت کار دشواری نیست. در فرهنگی که به سرعت در حال تغییر است زمینه‌های مطالعاتی جدیدی به وجود می‌آیند و در همین حال سایر مشاغل از بین می‌روند. آماده سازی جوانان در مورد نقش آنها در چنین جامعه‌ی پویایی، پیچیده‌تر می‌شود» (سام خانیان، ۱۳۸۴).

سازمان به خودی خود، خلاق و نوآور نخواهد شد مگر اینکه افراد خلاق با خصوصیات و ویژگی‌های خاصی پیکره‌ی آن سازمان را تشکیل دهند. از دهه‌ی ۱۹۵۰، توجه به عامل شخصیت نقطه‌ی محوری، تحقیق خلاقیت بوده است. ویژگی‌های شخصیتی شامل انگیزه‌ها، عواطف، هیجانات، نگرش‌ها، علایق و عادات اجتماعی است.

صادقی (۱۳۸۶) به نقل از سام خانیان (۱۳۸۴) مهم‌ترین مشخصه‌ی افراد خلاق را تصویری قوی از خلاق بودن خود، پشتکار، استقامت، ابهام‌پذیری، ریسک‌پذیری، استقلال، نیاز به

موفقیت و اعتماد به نفس می‌داند. با عنایت به مطالعات انجام شده عمده‌ترین نشانه‌های شخصیتی افراد خلاق را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

- پشتکار و جدیت
- شوخ طبعی
- تحمل ابهام
- متهور بودن
- بلند اندیشی
- خود انضباطی
- انعطاف پذیری
- عدم خودخواهی
- تعهد و نظم
- اعتماد به نفس
- انگیزش درونی
- نوع دوستی
- صراحت و قاطعیت
- قضاوت مستقل
- علائق گسترده
- میل به ریسک کردن
- پیرو یا هم‌نوا نبودن
- سلاست و روانی کلامی
- سماجت در موضوعات مورد علاقه
- ثبات عاطفی
- علاقه‌ی کم به روابط اجتماعی

- اهمیت دادن به سرنوشت دیگران
- شخصیت غیر متعارف، غیررسمی
- مورد سؤال قرار دادن هنجارها و ایده‌های موجود
- نیاز به استقلال و خودمختاری
- قدرت تأثیرگذاری بر دیگران
- حساسیت نسبت به مسائل اجتماعی
- علاقه مندی به آثار هنری
- حساسیت به نوآوری‌ها

«نباید فرض کنیم ویژگی‌هایی که به طور کلی با خلاقیت تداعی می‌شوند به عنوان ویژگی‌های شخصیت خلاق در همه‌ی فعالیت‌های خلاق و در همه‌ی افراد، یکسان است. تحقیقات، تفاوت‌های مهمی را در شخصیت نشان می‌دهد که با سن، جنسیت و شغل همبستگی دارند» (همان).

پیشینه

بشارت و همکاران (۱۳۸۲) در تحقیقی بر روی دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه تهران نشان دادند که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن، مشکلات شخصی کمتری داشتند. همچنین در مقایسه‌ی آزمودنی‌های دختر و پسر در این تحقیق از نظر سبک دلبستگی، تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

بار-اون و پارکر^۱ (۲۰۰۰) دریافتند کودکانی که رابطه‌ی دلبستگی ایمن داشته‌اند و از نظر هیجانی خود را بیان می‌کرده‌اند، درک بهتری از هیجان‌ها دارند و در مقایسه با کودکان ناایمن در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند.

1. Bar- on & Parker

«تحقیقات دکتر پال تورنس که در مورد تشخیص نقش جنسیت در تفکر خلاق انجام گرفت، نشان داد که تفاوت مهمی میان امتیازهای خلاقیت کلی و هیچ‌کدام از امتیازهای جنسیت برای مرد یا زن وجود ندارد» (همان).

عباسعلی قربان زاده (۱۳۷۹) و فریدون منافی (۱۳۸۲) در تحقیقات‌شان رابطه‌ی معناداری بین ویژگی‌های فردی از جمله مدرک تحصیلی، جنسیت، سن ... و خلاقیت مشاهده نکردند. اصنانلو و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی نشان دادند که ویژگی‌های فردی از جمله جنسیت بر خلاقیت تأثیری ندارد. در تحقیق خسروانی و گیالانی (۱۳۸۶) مقایسه‌ی سطح خلاقیت دختران و پسران، تفاوت معناداری نشان نداد. همچنین تارنگ و تقوی (۱۳۸۷) به نقل از بهروزی نشان دادند که بین ویژگی‌های A و B شخصیت و خلاقیت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. تارنگ و تقوی در تحقیق خود نشان دادند که تفاوت معناداری بین دو گروه دختر و پسر از لحاظ خلاقیت وجود دارد. کاکوا (به نقل از تارنگ و تقوی، ۱۳۸۷) و یانگ و دیلسون (به نقل از تارنگ و تقوی، ۱۳۸۷)، نوری (۱۳۸۱) و شیخ الاسلام (۱۳۸۴) نیز در نتایج تحقیقی خود تفاوتی میان جنسیت در خلاقیت مشاهده نکردند.

توجه به ویژگی‌های افرادی با سبک‌های دل‌بستگی متفاوت و همچنین خصوصیات افراد خلاق، بیانگر وجود شباهت‌هایی در برخی از این ویژگی‌ها می‌باشد. بنابراین، این تحقیق بر آن است تا به بررسی مقایسه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و میزان خلاقیت در دو گروه دختر و پسر و نیز رابطه‌ی بین این دو متغیر بپردازد.

در راستای اهداف فوق، این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- آیا بین سبک دل‌بستگی ایمن بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟
- آیا بین سبک دل‌بستگی اضطرابی / دوسوگرا بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟

- آیا بین سبک دل‌بستگی اجتنابی بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟

- آیا بین میزان خلاقیت در بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟

- آیا بین سبک‌های دلبستگی و خلاقیت در بین دختران و نیز در بین پسران رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟

- آیا سبک‌های دلبستگی، میزان خلاقیت را پیش بینی می‌کند؟

روش پژوهش

با توجه به اینکه هیچ یک از متغیرها در این پژوهش دستکاری نشده‌اند و موقعیت طبیعی است، طرح مورد استفاده از نوع علمی - مقایسه‌ای است.

جامعه‌ی آماری و نمونه

جامعه‌ی آماری این پژوهش پانصد هزار نفر از دانشجویان سال اول دانشگاه پیام‌نور شهرستان ابرکوه می‌باشد که در سال ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌ی آماری این تحقیق ۵۶ نفر (۲۸ نفر دختر و ۲۸ پسر) بود که با توجه به دلیل غیرحضور بودن بیشتر کلاس‌های دانشگاه پیام نور و زمان اجرای آن در تابستان و تعداد دانشجویان کمتری در دانشگاه حضور داشتند نمونه‌گیری نیز به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد.

ابزار پژوهش

الف) آزمون خلاقیت عابدی: این آزمون که براساس نظریه‌ی تورنس درباره‌ی خلاقیت در سال ۱۳۶۳ به وسیله‌ی عابدی (۱۳۷۲) در تهران ساخته شد که بر روی یک گروه ۶۵۰ نفر از دانش آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس تهران اجرا گردید. این آزمون ۶۰ سؤال ۳ گزینه‌ای دارد که از چهار خرده مقیاس سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری تشکیل شده است. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره‌ی آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده مقیاس، نمره‌ی کلی خلاقیت او را نشان می‌دهد. پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار بخش آزمون به این ترتیب به دست آمد: ضریب پایایی بخش سیالی ۸۵/، ابتکار ۸۲/،

بسط ۸۰/ و انعطاف پذیری ۸۴/ (عابدی، ۱۳۷۲). دایمی و مقیمی (۱۳۸۳) در تحقیقی به منظور هنجاریابی آزمون خلاقیت عابدی در دبیرستان‌های منطقه‌ی ۲ تهران، ضریب پایایی آزمون بازآزمون را در خرده مقیاس سیالی، ۰/۲۳، بسط ۴۴۴/، ابتکار ۶۱۴/ و انعطاف پذیری ۵۹۵/ مشخص نمودند. در رابطه با روایی محتوایی، پاسخ‌گویی و اظهارنظر استادان گروه روان‌شناسی درباره‌ی کلیه‌ی سؤالات آزمون نشان دهنده‌ی روایی محتوایی آزمون است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳).

ب) پرسشنامه‌ی بازنگری شده‌ی مقیاس دل‌بستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS) (۱۹۹۰): این مقیاس شامل - خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد ارتباط و خودتوصیفی - شیوه‌ی شکل‌دهی دل‌بستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است. با علامت گذاری روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (لیکرت) در هر ماده سنجیده می‌شود. کولینز و رید بر پایه‌ی توصیف‌هایی که در پرسشنامه‌ی دل‌بستگی بزرگسال هازن و شیور در مورد سه سبک دل‌بستگی وجود داشت، موارد پرسشنامه‌ی خود را تدارک دیده‌اند که تحلیل عوامل سه زیر مقیاس را مشخص می‌سازد و هر کدام شامل شش ماده است. این زیر مقیاس‌ها عبارتند از:

۱) وابستگی: میزانی را که افراد به دیگران اطمینان می‌کنند و به آنها متکی می‌شوند.
 ۲) نزدیک بودن: میزان آسایش فرد در رابطه‌ای همراه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند.

۳) اضطراب: ترس از داشتن رابطه را در ارتباط‌ها می‌سنجد.
 زیر مقیاس اضطراب (A) با دل‌بستگی ناایمن اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C)، یک بُعد دوقطبی است که توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولر، ۱۹۹۶). بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دل‌بستگی، ایمنی بخش می‌باشد و زیر مقیاس (D) را می‌توان تقریباً عکس دل‌بستگی اجتنابی قرار داد. کولینز

برای بررسی قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس در نمونه‌ی ۱۷۳ نفری، از دانشجویان به ترتیب برای زیر مقیاس C، ۸۱/ زیر مقیاس D، ۷۸/ و زیر مقیاس A، ۸۵/ گزارش کرده است (پاکدامن، ۱۳۸۰).

در ایران نیز، پاکدامن (۱۳۸۰) با استفاده از آزمون- آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا را مشخص کرد. نتایج حاصل از ۱۰۰ نفر دختر و پسر در دو بار اجرا به فاصله‌ی زمانی یک ماه بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های a و c و d در RAAS معنادار نیست و این آزمون در سطح معناداری ۰۵/ قابل اعتماد است. از سوی دیگر با محاسبه‌ی آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیر مقیاس اضطراب، بیشترین قابلیت اعتماد ۷۴/ و وابستگی، کمترین قابلیت اعتماد ۲۸/ و زیر مقیاس نزدیک بودن ۵۲/ است. همچنین پاکدامن (۱۳۸۰) روایی سازه برای این پرسشنامه را بررسی کرده است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا سنجیده شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین زیر مقیاس‌های A و C، A و D در سطح معناداری ۰۰۱/ به ترتیب ۳۱۳- و ۳۳۶- می باشد و ضریب همبستگی بین زیر مقیاس‌های C و D در سطح معناداری ۰۱۴/ مقدار ۲۴۶/ به دست آمد.

روش تحلیل آماری

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از آزمون t مستقل، ضریب همبستگی پیرسون ۱ و رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سبک دلبستگی (اضطراب، وابستگی و نزدیک بودن) و خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری)

گروه	شاخص‌ها	اضطرابی	اجتنابی	ایمن	سیالی	بسط	ابتکار	انعطاف پذیر	خلاقیت پذیر
دختر	M	۱۴/۵	۱۴/۴۰	۱۶/۵۲	۴۹/۳۲	۲۲/۸۹	۳۵/۵	۲۷/۴۶	۱۳۴/۸۲
	N	۲	۵	۲۱	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
	SD	۴/۹۴	۱/۳۴	۲/۶۹	۶/۳۱	۳/۴۰	۷/۳۲	۴/۶۸	۱۴/۹۱
پسر	M	۱۵/۳	۱۵/۵۰	۱۷/۷۵	۴۷/۱۷	۲۱/۲۸	۳۰/۳۵	۲۲/۳۵	۱۲۱/۱۷
	N	۱۲	۸	۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
	SD	۱/۵۵	۱/۶	۳/۳۲	۱/۸۸	۱/۴۳	۲/۲۳	۱/۵۹	۵/۲۱
کل	M	۱۵/۲۱	۱۵/۰۷	۱۶/۸۶	۴۸/۲۵	۲۲/۰۸	۳۲/۹۲	۲۴/۹۱	۱۲۸
	N	۱۴	۱۳	۲۹	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶
	SD	۲	۱/۵	۲/۸	۴/۴۷	۲/۷۱	۵/۹۶	۴/۳۲	۱۳/۰۳

همچنان که جدول ۱ نشان می‌دهد در متغیرهای سبک دلبستگی، میانگین سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در پسران بیشتر از دختران می‌باشد در حالی که از لحاظ پراکندگی، پراکندگی نمرات دختران بیشتر است. در متغیر دلبستگی ایمن، میانگین و انحراف استاندارد پسران بیشتر می‌باشد. در متغیر خلاقیت، در سیالی، بسط، ابتکار، انعطاف پذیری میانگین و انحراف استاندارد دختران بیشتر از پسران می‌باشد.

فرضیه ۱: بین سبک دلبستگی ایمن بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون t مستقل استفاده گردیده که نتیجه‌ی آن در جدول ۲

آمده است.



جدول ۲. تفاوت بین سبک دلبستگی ایمن بین دختران و پسران

سبک دلبستگی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	P
سبک ایمن	دختران	۲۱	۱۶/۵۲	۲/۶۹	-۱/۰۲	۱۰/۷	/۳۷
	پسران	۸	۱۷/۷۵	۳/۳۲			

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار سطح معناداری سبک دلبستگی ایمن از سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۵) بیشتر می باشد که نشان دهندهی معنادار نبودن تفاوت آنها در دو گروه می باشد.

فرضیه ی ۲: بین سبک دلبستگی اضطرابی / دوسوگرا بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد.

با استفاده از آزمون t مستقل نشان داده شد در جدول ۳ که مقدار سطح معناداری سبک دلبستگی اضطرابی از سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۵) بیشتر می باشد که نشان دهندهی معنادار نبودن تفاوت آنها در دو گروه می باشد.

جدول ۳. تفاوت بین سبک دلبستگی اضطرابی بین دختران و پسران

سبک دلبستگی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	P
سبک اضطرابی / دوسوگرا	دختران	۲	۱۴/۵	۴/۹۴	-۰/۵۲	۱/۰۳	/۸۵
	پسران	۱۲	۱۵/۳۳	۱/۵۵			

فرضیه ی ۳: بین سبک دلبستگی اجتنابی بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. با استفاده از آزمون t مستقل نشان داده شد (جدول ۴) که مقدار سطح معناداری سبک دلبستگی اجتنابی نیز از سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۵) بیشتر می باشد که نشان دهندهی معنادار نبودن تفاوت آنها در دو گروه می باشد.

جدول ۴. تفاوت بین سبک دبستگی اجتنابی بین دختران و پسران

سبک دبستگی	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	P
سبک اجتنابی	دختران	۵	۱۴/۴	۱۵/۵	-۱/۲۷	۹/۸	/۲۱
	پسران	۸	۱/۳۴	۱/۶			

فرضیه ۴: بین میزان خلاقیت در دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون t مستقل استفاده گردیده که نتیجه‌ی آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. تفاوت بین میزان خلاقیت در دختران و پسران

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	df	P
دختران	۲۸	۱۳۴/۸۲	۱۴/۹۱	۴/۵۶	۳۳/۵	/۰۰۰
پسران	۲۸	۱۲۱/۱۷	۵/۲۱			

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار t برابر با ۴/۵۶ می‌باشد (p=۰/۰۰۰) از آنجایی که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین میزان خلاقیت بین دو گروه، تفاوت معنادار وجود دارد. فرضیه ۵: بین سبک‌های دبستگی و خلاقیت در بین دانشجویان دختر و نیز در بین دانشجویان پسر، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.



جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دلبستگی و خلاقیت به تفکیک جنسیت

سبک‌های دلبستگی	خلاقیت	همبستگی	سطح معناداری	تعداد
سبک دلبستگی ایمن	دختر	/۰۱	/۹۳	۲۱
	پسر	/۳۲	/۴۳	۸
سبک دلبستگی	دختر	-۱	* /۰۰	۲
اضطرابی/ دوسوگرا	پسر	-/۶۶	* /۰۱	۱۲
سبک دلبستگی	دختر	/۳۵	/۵۶	۵
اجتنابی	پسر	-/۲۵	/۵۴	۸

براساس نتایج جدول ۶ بین سبک دلبستگی اضطرابی و خلاقیت پسران و دختران به ترتیب در سطح $(P < /۰۱)$ و $(P < /۰۰)$ رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه جهت رابطه، منفی می‌باشد لذا احتمالاً با افزایش نمرات سبک دلبستگی اضطرابی، نمرات خلاقیت کاهش می‌یابد اما بین سبک دلبستگی ایمن و سبک اجتنابی با خلاقیت در دختران و پسران به لحاظ آماری، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌ی ۶: سبک‌های دلبستگی، میزان خلاقیت را پیش‌بینی می‌کند. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا به منظور تعیین اینکه حداقل یکی از متغیرهای پیش‌بین می‌تواند متغیر ملاک را پیش‌بینی نماید از آزمون ANOVA استفاده گردید که نتیجه‌ی آن در جدول ۷ مشاهده می‌شود.

جدول ۷. خلاصه‌ی تحلیل واریانس برای رابطه‌ی متغیرهای پیش بین (انواع سبک‌های دبستگی) با فلاقیت

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R2
رگرسیون	۱۴۶۸/۳۲	۳	۴۸۹/۴۴	۳/۲۳	/۰۳	/۳۹	/۱۵
باقیمانده	۷۸۷۷/۶۷	۵۲	۱۵۱/۴۹				
کل	۹۹۴	۵۵					

ملاحظه می‌شود که مقدار F برابر ۳/۲۳ گردیده که این مقدار با درجات آزادی (۳ و ۵۲) در سطح /۰۳ معنادار گردیده است و از آنجا که سطح معناداری کمتر از /۰۵ می‌باشد حداقل یکی از متغیرهای پیش‌بینی کننده‌ی قدرت پیش‌بینی کنندگی متغیر ملاک را دارند. برای تعیین اینکه هر یک از متغیرهای پیش‌بینی کننده تا چه اندازه قدرت پیش‌بینی کنندگی متغیر ملاک را دارند از جدول ضرایب تحلیل رگرسیون استفاده شده که نتیجه‌ی آن در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. مقادیر بتا برای متغیرهای پیش‌بینی کننده

متغیرهای پیش‌بین	مقدار بتا	سطح معناداری
سبک دبستگی ایمن	/۰۸	/۵
سبک دبستگی اضطرابی/ دوسوگرا	-/۲۴	/۰۶
سبک دبستگی اجتنابی	-/۳۳	/۰۱

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار بتای متغیر سبک دبستگی اجتنابی، معنادار شده است و این متغیر جهت معکوس فلاقیت را پیش‌بینی می‌کند که بر این اساس، معادله‌ی خط رگرسیون را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y = (-.33 X)$$

$$X = \text{دبستگی اجتنابی}$$

یافته‌ها

فرضیه ۱: بین سبک‌های دلبستگی ایمن بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش حاکی از معنادار نبودن این تفاوت می‌باشد.

فرضیه ۲: بین سبک دلبستگی اضطرابی / دوسوگرا بین دختران و پسران، تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش حاکی از معنادار نبودن این تفاوت می‌باشد.

فرضیه ۳: بین سبک دلبستگی اجتنابی بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. در این متغیر نیز نتایج این پژوهش حاکی از معنادار نبودن این تفاوت می‌باشد.

به طور کلی می‌توان گفت که تفاوت میانگین‌های سبک‌های دلبستگی دختران و پسران از لحاظ آماری معنادار نیست یعنی سبک‌های دلبستگی افراد جامعه‌ی مورد نظر، احتمالاً از جنس آنها اثر نمی‌پذیرد که این یافته، همسو با تحقیقات پیشین می‌باشد. داچرم، دویل و مارکیویز^۱ (۲۰۰۲)، باربارا و هورویتز^۲ (۲۰۰۴) همسو با این مطالعه، تفاوت معناداری در میانگین دلبستگی دو جنس گزارش نکرده‌اند. همچنین در تحقیق بشارت و همکاران (۱۳۸۲) بر روی دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه تهران، نتایج نشان داد که از نظر سبک دلبستگی تفاوت معناداری بین دختر و پسر وجود ندارد.

فرضیه ۴: بین میزان خلاقیت در دختران و پسران تفاوت معنادار می‌باشد. نتایج این پژوهش، این فرضیه را تأیید می‌کند. این یافته، هرچند با نتایج تحقیق تارنگ و تقوی (۱۳۸۷) که نشان دادند تفاوت معناداری بین دو گروه دختر و پسر از لحاظ خلاقیت وجود، همسو می‌باشد اما عباسعلی قربانزاده (۱۳۷۹) و فریدون منافی (۱۳۸۲) در تحقیقات‌شان رابطه‌ی معناداری بین ویژگی‌های فردی از جمله مدرک تحصیلی، جنسیت، سن، ... و خلاقیت مشاهده نکردند. همچنین نتایج تحقیقات اصائلو و همکاران (۱۳۸۵)، خسروانی و گیلانی (۱۳۸۶) در سطح خلاقیت دختران و پسران، تفاوت معناداری را نشان نداد. کاکوا به نقل از تارنگ و تقوی،

1. Ducharme, Doyle & Markiewicz
2. Barbara & Horvitz

(۱۳۸۷/۱۹۹۵) و یانگ دویلسون به نقل از تارنگ و تقوی (۱۳۸۷/۱۹۹۴)، نوری (۱۳۸۱) و شیخ الاسلام (۱۳۸۴) نیز در نتایج تحقیقی خود، تفاوتی میان جنسیت در خلاقیت مشاهده نکردند.

فرضیه ۵: بین سبک‌های دلبستگی و خلاقیت در بین دانشجویان دختر و نیز در بین دانشجویان پسر، رابطه‌ی معنادار وجود دارد. براساس یافته‌ها تنها بین سبک دلبستگی اضطرابی و خلاقیت بین پسران و نیز دختران به ترتیب در سطح $(P < /۰۱)$ و $(P < /۰۰)$ رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه جهت رابطه، منفی می‌باشد لذا احتمالاً با افزایش نمرات سبک دلبستگی اضطرابی، نمرات خلاقیت کاهش می‌یابد. نتایج تحقیقاتی همچون بهروزی به نقل از تارنگ و تقوی (۱۳۸۷/۱۳۷۵) که بیان کرده است بین ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و نیز بارن-اون و پارکر (۲۰۰۰) که دریافتند کودکانی که رابطه‌ی دلبستگی ایمن داشته‌اند از نظر هیجانی، خود را بیان می‌کنند، درک بهتری از هیجان‌ها دارند و در مقایسه با کودکان نا ایمن در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند، می‌تواند تبیینی بر این یافته باشد.

فرضیه ۶: سبک‌های دلبستگی میزان خلاقیت را پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که متغیر سبک دلبستگی اجتنابی در جهت معکوس خلاقیت را پیش‌بینی می‌کند. این یافته، همسو با تحقیقات قبلی در زمینه‌ی متغیرهای مورد بررسی می‌باشد. دلبستگی، حاصل ارتباط کودک با مراقب اولیه (معمولاً مادر) می‌باشد. تجربه‌ی یک رابطه‌ی ایمن و حمایت‌کننده با مادر در کودکی، فرد ایمن را قادر می‌سازد تا در روابط خود علاوه بر اینکه به دیگران اعتماد و اتکا دارد خود نیز منبع اعتماد و اتکای دیگران باشد و در واقع مسئولیت فردی و اجتماعی بالایی بر عهده گیرد و در سختی‌ها و مشکلات انعطاف پذیر و مقاوم باشد و راه‌حل‌های مناسبی ارائه دهد (جیلاث^۱، میکولینسر و شیور، ۲۰۰۱). برعکس، افرادی که الگوهای عملی درونی نا ایمن دارند روابط نامناسب اجتماعی و آسیب‌پذیری هیجان بیشتر در

1. Gillath

مقابل تنش‌ها دارند (کاپلان و سادوک^۱، ۱۳۷۵). «همچنین افراد خلاق دارای ویژگی‌هایی چون انعطاف پذیری، استقلال طلبی، اعتماد به نفس، احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت خود و دیگران سلاست و روانی کلامی می‌باشد» (پیرخائفی، ۱۳۸۴) که این تشابه در ویژگی‌های خلاقیت و افراد دارای سبک‌های مختلف دلبستگی می‌تواند تبیین‌کننده‌ی نتیجه‌ی یافته‌های این تحقیق باشد.

منابع فارسی

اتکینسون، ریتال. ال؛ اتکینسون، ریچارد. س؛ اسمیت، ادوارد. ای؛ بم، داریل. ج؛ هوکسما، سوزان نولن. (۱۳۷۹). *زمینه‌ی روان‌شناسی هیگگار، ترجمه‌ی محمد تقی براهینی و همکاران*. تهران: رشد.

اصانلو، پریسا؛ اسدی، حسن؛ گودرزی، محمود؛ کاظم نژاد، انوشیروان. (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر ارتباط بین ویژگی‌های فردی مدیران سازمان تربیت بدنی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر خلاقیت و مدیریت تضاد. فصلنامه‌ی حرکت*. شماره‌ی ۳۰.

بشارت، محمدعلی. (۱۳۷۹). *رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و مشکلات جنسی در زوجین نابارور. فصلنامه‌ی باروری و ناباروری، زمستان ۷۹*.

بشارت، محمدعلی؛ گلی‌نژاد، محمد؛ احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی. مجله‌ی اندیشه و رفتار*. سال ۸، شماره ۴.

پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشکده‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران.

تارنگ، المیر و تقوی، سید محمدرضا. (۱۳۸۷). *بررسی رابطه‌ی خلاقیت و تیپ شخصیتی (A و B) در دانشجویان دختر پسر رشته‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز در مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*.

1. Kaplan & Sodik

- حقیقی، محمدعلی. (۱۳۸۰). مدیریت رفتار سازمانی. تهران: ترمه.
- خسروانی، سولماز؛ گیلانی، بیژن. (۱۳۸۶). خلافت و پنج عامل شخصیت. مجله‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، ۸۳-۶۵: (۲) ۳۷.
- دائمی، حمیدرضا؛ مقیمی بارفروش، سیده فاطمه. (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلافت. مجله‌ی تازه‌های علوم شناختی، سال ششم. شماره ۳ و ۴.
- ذراتی، ایران؛ امین یزدی، سید امیر؛ آزادفلاح، پرویز. (۱۳۸۵). رابطه‌ی هوش هیجانی و سبک‌های دبستگی. مجله‌ی تازه‌های علوم شناختی. سال هشتم. شماره‌ی ۱.
- سام خانیان، محمدریغ. (۱۳۸۴). خلافت و نوآوری در سازمان آموزشی (مفاهیم، نظریه‌ها، تکنیک‌ها و سنجش). نشر رسانه‌ی تخصصی.
- شیخ الاسلامی، راضیه؛ رضویه، اصغر. (۱۳۸۱). پیش‌بینی خلافت دانشجویان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای انگیزشی بیرونی، انگیزش درونی و جنسیت ارائه شده در اولین کنگره روان‌شناسی ایران.
- عابدی، ج. (۱۳۷۲). خلافت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن. مجموع مقالات پژوهش‌های روان‌شناختی. شماره‌ی ۱ و ۲.
- قربان‌زاده، عباسعلی. (۱۳۷۹). بررسی میزان خلافت مدیران مدارس و موانع شخصی آن در شهرستان فردوس. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.
- کاپلان، هارولد و سادوک، بنیامین. (۱۳۷۵). خلاصه‌ی روان‌پزشکی. ترجمه‌ی نصرت ا. پورافکاری. جلد اول. تهران: شهر آب.
- منافی، فریدون. (۱۳۸۲). بررسی و شناخت موانع مؤثر بر خلافت مدیران تربیت بدنی دانشگاه‌های سراسر کشور. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- نوری، زهرا. (۱۳۸۱). بررسی تفاوت‌های جنسیتی با توجه به رابطه‌ی خلافت و عملکرد تحصیلی در دروس ریاضی، علوم و ادبیات دانش آموزان دبیرستان شهر شیراز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

هاشمی، راضیه؛ میرجعفری، احمد. (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و نشانه‌های روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه شیراز. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان.

منابع لاتین

- Ainsworth, M.D.S.; Bleher, M.C.; Waters & Wall, S. (1978). *Attorns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hill Sdale, Ny: Erlbaum.
- Barbara. & Horvitz, L. (2004). Adolescents' interactions with a best friend: Association with attachment style. *Journal of Exprimental Child Psychology*, 88, 102-120.
- Bar-on, R. & Parker, j. (2000). *Handbook of emotional hntelligence*. San francisco, jossey - boss.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. Vol1, Attachment. New york, Guilford press.
- Bowlby, j. (1973). *Attachment and loss*, vol 2: separation: anxiety and anger. New York: Books.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss*. Vol 3: loss. Sandess. And Depression. New york: Basic Book.
- Cassidy J. (1988). *Child- mother attachment and the self in six- year olds*. *Child Dev* 59:121-34.
- Cassidy J. & shaver, P. (1999). *Hand book of attachment: Theory, research and clinical application*. New york, Guilford press.
- Collins, V.L. & Read, S.J. (1990). *Adult attachment: Working modles an relationship quality in dating couples*. *Journal of personality and social psychology*, 58(4), 644-663.
- Ducharme, J. ; Doyle, A.B. & Markiewicz, D. (2002). Attachment security with mother and father: Association with adolescents- reports of interperonanbehavior with parents and peers. *Journal of social and personal relationships*, 19, 203-231.
- Feeny, J.A ; Noller, P. (1996). Adolt Attachment & R.R. Shaver, Gillath, O., Mikulincer, Gillath, O., Mikulincer, M., & Shaver, P. (2001). Subliminal threat- prims increase the accessibility of attachment figures names. poster presented at the annual meething of the American psychological Association. San fransisco, CA.
- Hazan, C. & Shaver P.R. (1987). Romantic love conceptuli as an attachment process. *journal of personality and social psychology*, 52, 524.
- Koback R.R. & Screey A (1988). *Attachment in late adolescence working modles*. Affect regulation and representation of self and other. *Child Dev*. 59:135-46.
- Lopez, F.G., Thomas, K. & Sagula, D. (1997). *An attachment theoretical perspective on the use of splitting defense*. *Counseling psychology quarterly*, 10, 467-472.
- Mikulincer M. (1998). *Attachment working modles and the sense of trust: An exploration of interaction goals and affect regulation*. *Person socipsy*. 74:1209-24



- Mikulincer, M., Florian, V., & Tolmacz, R. (1999). Attachment styles and fear of personal of personal death : Acase stady of affect regulation. *Journal of personality and social psychology*, 58, 273-280.
- O'neil, H., Abedi, J., & Spielberger, C. (1994). *The measurement and teaching of creativity*. In H. O'neil & M.
- Shaver P.R & Hazan, C. (1993). *Adult romantic attachment l theory and evidence. Advance in personal relationship* , 4, 29-70.
- Tydwell C., Marie R., Harry T., etal. (1994). *Attachment attractiveness and social interaction: Adiary study, person soci psy.* 66:502-12.

Archive of SID